

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک

فاطمه موسوی میرک*

چکیده

بررسی حاضر بر آن است تا زمینه‌های فرار دختران نوجوان از منزل و گرایش آنان را به بزه و گروه‌های انحرافی در بین گروه سنی ۱۸ - ۱۱ سال شهر اراک در دو بعد علت‌یابی و نظریاتی مطالعه نماید، تا در این مسیر ویژگی‌های تفکر، نحوه تعامل آنان با خانواده، دوستان، جامعه، شیوه‌های دستیابی‌شان به امنیت، باورها و ارزش‌های این گروه سنی را شناسایی نماید. چارچوب نظری به کار رفته ترکیبی از دیدگاه تعبیر انتخاب عقلایی با دیدگاه ساختگرا کارکردگرایی است.

پرسش اصلی عبارت است از: چگونگی طرز تلقی و تفسیر نوجوان از موقمیت فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود، که هر کدام در خوشه‌های مشخص بر حسب مطالعات زمینه‌ای تقسیم شده‌اند.

روش تحقیق مورد استفاده فنون: پرسشنامه (با طیف لیکرت) و مصاحبه است که از طریق نمونه‌گیری سیستماتیک مطبق (در بعد نظرسنجی) صورت گرفت. جهت آزمون فرضیات از آمار استنباطی خی‌دو در متغیره، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T استفاده شده است.

نتایج کلی نشان می‌دهد که دختران جامعه اراک در مسیر حرکت به سمت ارزش‌های جدید هستند، احساس نایمنی، بازداری از طرح نیازها، عدم ارضای متناسب خواسته‌های دوره سنی... می‌تواند دختران نوجوان را در معرض حرکت‌های اجتماعی دشوار و ناسالم قرار دهد.

واژگان کلیدی

فرار دختران، نوجوانی، بزهکار.

* - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی * سال اول * شماره ۱

مقدمه

بررسی فوق در بعد زمینه‌یابی از طریق مصاحبه با دختران زندانی یا بازداشتی در مراکز ذی‌ربط از جمله زندان، قرارگاه‌های نیروی انتظامی، دایره مفسد به کشف متغیرهای مؤثر پرداخته و در بعد نظریابی از طریق مصاحبه با دختران ۱۸ - ۱۱ سال شاغل به تحصیل در مدارس آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهرستان اراک متغیرهای دخیل در این فرآیند را نظرسنجی نموده است. در این تحقیق الزام اساسی بر ویژگی‌های تفکر، باورها و ارزش‌ها: نحوه تعامل نوجوانان دختر با خانواده، دوستان، جامعه و شیوه‌های دستیابی آنان به امنیت و در نهایت برداشت آنها از ارتباط با خود و جامعه بود. نتایج تحقیق در این مسیر به قرار زیر بود:

نیم‌رخ اطلاعات فرهنگی و تفریحی نوجوانان جامعه آماری فوق نشان می‌دهد که این نوجوانان در مسیر حرکت به طرف ارزش‌های جدید هستند. احساس ناایمنی و بازداری در عدم استفاده از اطلاعات جدید و امکانات موجود می‌تواند نوجوانان را در معرض حرکت‌های اجتماعی دشوار و ناسالم قرار دهد. نوجوانان در مقابل این تغییر ارزش‌ها قرار دارند، پاره‌ای از این ارزش‌ها متعالی بوده و در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند مثل: مشارکت‌خواهی در امور اجتماعی - فرهنگی - سیاسی، نیاز به ارتباط با مسئولان در نهادها، ارتباط طلبی مطلوب با اعضای خانواده؛ اما احساس تضاد ارزشی بین خانه، مدرسه و جامعه این روند را دچار بحران و ناکامی می‌کند که جا دارد در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

موقعیت خانوادگی سالم و بارور تأثیر زیادی در نگرش و رفتارها دارد نوجوانانی که در کانون خانواده از نظر نیازهای عاطفی و اقتصادی و ارتباطات بین خانوادگی ارضا می‌شوند در شرایط بهتری قرار داشتند، به طور کلی شرایط غیرمتعارف و انسجام نیافته خانوادگی می‌تواند زمینه‌ای مساعد برای بروز مسایل اجتماعی باشد.

در نگرش‌های نوجوانان دختر (جامعه آماری) بر خلاف تصور رایج، ارتباط با جنس مخالف توانسته بود پاسخگوی نیازهای عاطفی‌شان باشد، بروز این وابستگی عاطفی در بین نوجوانانی دیده می‌شد که از نظر بنیان خانوادگی ناسازگاری داشته و نیازمند تأمین

عاطفی در خارج از محیط خانواده بودند.

تحصیلات والدین و شغل از عوامل تعیین‌کننده در نگرش‌ها و رفتارها و ارزش‌ها بود که زمانی دستخوش تغییر متعالی از نظر عرف معمول می‌شد که افزایش سطح آنها را شاهد بودیم.

هرچه محیط خانواده از نظر نوجوان مامن و پناهگاه محسوب می‌شد میزان نگرش نسبت به خود (خودباوری) و توانایی‌های خود بالا می‌رفت همراه با افزایش خودباوری نگرش نوجوان نسبت به ارزش‌ها و هنجارها و امکانات اجتماعی نیز دچار تحول می‌شد. تحقیق حاکی از این بود که نوجوانانی که احاطه کافی به نیازها و استعدادهاى خود دارند امکانات و زمینه‌های موجود در جامعه را برای رشد و اعتلای فرهنگی، علمی، سیاسی خود پایین ارزیابی کرده و خواهان رشد این زمینه‌ها در جامعه هستند. از دید این نوجوانان بسترهای اجتماعی آسیب‌زا هستند که نوجوانان خواهان فردیت و استقلال را به سمت انحراف می‌کشاند نه خود پدیده فرار از منزل که نوعی استقلال‌طلبی و اعلام موجودیت است. (نظریهٔ آنومی اجتماعی دورکیم از دید نوجوانان به طور عملی بیان شده) در واقع قسمت اعظم مسایل مربوط به فرار دختران در جامعه آماری به عدم مشروعیت هنجارهای خانوادگی و اجتماعی مربوط می‌شد که متناسب با نیاز و سن رشد آنها در عصر فراصنعتی و انفجار اطلاعات نبوده است لذا یک نوع بی‌سامانی هنجاری بین خواسته‌های خودشان و خواسته‌های مسلط خانواده و جامعه ایجاد شده و ارتباط میان نوجوان و محیط پیرامونی گسیخته می‌شود که این امر به سردرگمی و اغتشاش در درون نوجوان منجر شده موجب نقش‌های متعدد از جمله مخالفت با خانواده، جامعه و نهایتاً گریز از موقعیت موجود می‌گردد به علت عدم تعیبه مراکز حمایتی مناسب در سطح جامعه و همچنین آلوده بودن سیستم اجتماعی باعث جایگزینی نوجوان در گروه‌های آسیب‌زا می‌شود، همچون عضویت در گروه‌های انحرافی (که خود قربانیان ساختار اجتماعی متمرکزند) قاچاق، روسپیگری، تکدی‌گری و....

تحقیق حاضر بر آن است تا زمینه‌های فرار دختران نوجوان را از منزل و دلایل گرایش

آنان به بزه و عضویت در گروه‌های انحرافی و کجرو را مطالعه نماید. در این راستا ویژگی‌های تفکر، نحوه تعامل آنان با خانواده، دوستان و جامعه، شیوه‌های دستیابی آنان به امنیت، باورها و ارزش‌ها و نقش‌شان در ارتباط با خود و جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق در دو مرحله به بازمینی پرداخته در مرحله اول کلیه دختران دستگیر شده ارگان‌های انتظامی در طی هشت ماه مورد مطالعه قرار گرفتند و متغیرهای دخیل از طریق مصاحبه استخراج شد. در مرحله دوم با توجه به این متغیرها، نظرسنجی از دانش‌آموزان دختر ۱۸ - ۱۱ سال در خصوص زمینه‌های مداخله‌گر بحران صورت گرفت.

بیان مسأله

انسان از لحظه تولد تا دم مرگ در کنش متقابل با دیگران است. بنابراین نقش او، ارزش‌هایی که دارد و رفتارهایی که انجام می‌دهد مشروط‌اند اما اجتماعی شدن مبنای فردیت و آزادی او نیز هست، در جریان اجتماعی شدن هر یک از انسان‌ها حس هویت شخصی و توانایی اندیشه و عمل مستقل پیدا می‌کنند. *گام‌های علمی و مطالعات فرهنگی*

در فرآیند رشد انسانی و در بستر اجتماعی شدن مرحله‌ای به نام «نوجوانی» هست. وجود نوجوانی مفهومی خاص جوامع امروزی است، تغییرات زیست‌شناختی که با بلوغ همراه است در همه جا عمومیت دارد با وجود این در گذشته این تغییرات به حد امروزی اضطراب و بلا تکلیفی تولید نمی‌کرد، نوجوانان در جوامع سنتی نسبت به هم‌تایان خود در جوامع امروزی، چیزهای کمتری را باید «از یاد می‌بردند». خصوصیت ممتاز نوجوان بودن، امروز، از یک طرف با گسترش کلی حقوق کودک و از طرف دیگر با فرآیند آموزش رسمی در ارتباط است، بنابراین سیستم اجتماعی باید بر این واقعیت واقف باشد که انسان‌ها ارزش‌ها و علایق گوناگونی دارند و باید جایی برای افراد یا گروه‌هایی در نظر بگیرد که فعالیت‌هایشان با هنجارهایی که اکثریت از آنها پیروی می‌کنند هم‌نوايي ندارد در غیر این صورت سوگیری این گروه از افراد در مسیرهایی خواهد بود که امکان دارد ناهنجاری اولیه را به انحراف تبدیل نماید به خصوص با توجه به وضعیت کنونی کشور که با چالش‌های

آسیبی متعدد دوره‌گذار مواجه است.

پیشی گرفتن تکنولوژی رسانه‌ای بر فرهنگ ارزشی، طولانی شدن دوره کودکی و نوجوانی، عدم توازن جنسیتی و سنی جمعیت، جهانی شدن زندگی اجتماعی و... همه جامعه را دچار شکاف اجتماعی خواهد کرد اگر جامعه نسبت به رفتارهای ناهنجار تحمل نشان ندهد، دستیابی به این امر هنگامی ممکن است که آزادی‌های فردی با عدالت اجتماعی همراه گردد.

اما پدیده فرار مفهومی است که به گریختن فرد از منزل به دلایلی که «خود» آن را موجه می‌داند و با در نظر گرفتن تبعات و آینده مبهم این اقدام، اطلاق می‌گردد. این پدیده با مفاهیم «مهاجرت»، «کوچ کردن»، «جلای وطن» متفاوت است در اینجا فرد به مشخصه شرایط موجود را چندان دشوار می‌بیند که تحمل آینده مبهم و تاریک را به ماندن ترجیح می‌دهد. او واقف است که اقدامش خلاف موازین و ارزش‌های خانواده و اجتماع است و به عواقب نامطلوب عمل آگاهی دارد اما بر اساس فلسفه فکری‌اش تاب مقاومت را در خود نمی‌بیند. اهمیت مقطع سنی بررسی شده به علت بعد وسیع این جمعیت است که در جنسیت مورد نظر به علت اینکه دختران امروز مادران فردا و بستر پرورش نسل‌های آینده محسوب می‌شوند بایستی توجه ویژه‌ای به بهداشت و سلامت روانی و اجتماعی آنان معطوف داشت. بخصوص در جامعه فعلی که به دلیل پیشرفت ارتباطی، فاصله نسلی افزایش یافته و والدین توانایی پاسخ به همه نیازهای فرزندان را نداشته در نتیجه روز به روز شکاف بین آنها عمیق‌تر شده و محیط این خانواده را تبدیل به شکنجه‌گاهی برای فرزندان می‌کند که ناچار زندگی در کوچه و خیابان را بر بازگشت به خانه ترجیح می‌دهند و بتدریج با خروج از منزل به علت آسیب‌زا بودن بستر اجتماعی مجبور به پیوستن به گروه‌های انحرافی می‌شوند.

چارچوب نظری

یکی از مهمترین جنبه‌های تفکر علمی درباره آسیب (از دید جامعه‌شناختی و روان‌شناختی) تأکید بر ارتباطات متقابل میان هم‌نوایی و ناهم‌نوایی در زمینه‌های اجتماعی

مختلف است که بر اساس خرده فرهنگ‌های موجود در هر جامعه متفاوت تعریف شده‌اند. در بررسی حاضر سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی دورکیم پدیده فرار به مذاقه گذاشته شود. بنابراین به توضیح انواع چهارگانه این نظریه می‌پردازیم: دورکیم مفهوم انحراف را با پدیده بی‌هنجاری تبیین کرده معتقد است در جوامع امروزی معیارها و هنجارهای سنتی بی‌آنکه توسط هنجارهای جدید جایگزین شوند تضعیف می‌گردند. بی‌هنجاری هنگامی وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد. در این شرایط فرد احساس از دست دادن حس جهت‌یابی و نگرانی می‌کند. به عقیده دورکیم چگونگی امور اجتماعی به نظام تقسیم کار مربوط می‌شود و مسایل اجتماعی زاده رشد مرحله دوم نظام تقسیم کار یعنی میزان همبستگی یک عنصر با عناصر دیگر و نیز با کل نظام است. میزان انسجام و نوع وحدتی که در جوامع سنتی و صنعتی وجود دارد می‌تواند هم تداوم‌بخش حالت طبیعی و سالم جامعه و هم ایجادکننده آسیب‌های اجتماعی باشد. بنابراین آسیب‌های اجتماعی را باید با توجه به نظام اجتماعی برطرف نمود زیرا اخلاق فردی در پرتو اخلاق جمعی معنا می‌یابد. وی آسیب‌های اجتماعی را به چند دسته تقسیم می‌کند:

۱- آسیب‌های خودگرایانه

که به دلیل قطع ارتباط بین نظام هنجاری و تقسیم کار، تضاد منافع فردی و اجتماعی پیش آمده و زمینه‌های جرم و آسیب فراهم می‌شود و هرچه هنجارها و جبر اجتماعی از طریق نظام تقسیم کار کمتر درونی شود تضاد منافع بیشتر می‌شود و گرایش به آسیب افزون‌تر؛ او تشخیص می‌دهد فردگرایی، شهرگرایی، تخصص‌گرایی حرفه‌ای و رشد دولت بروکراتیک کارکردهای خانواده، مذهب، منطقه و همسایگی را به عنوان مکانیزم‌هایی در جهت ترفیع انسجام افراد به جمع اجتماعی تقلیل می‌دهد.

۲- آسیب‌آنومی یا بی‌سازمانی اجتماعی

در نوع اول اگرچه جامعه توسط انحرافات فردگرایانه تهدید می‌شود ولی هنجارها همچنان محکم و منسجم رفتارهای افراد جامعه را شکل می‌بخشد اما در نوع دوم، آسیب از ناحیه

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۹۹

هنجارهاست یعنی هنجارهای اجتماعی و وجدان جمعی حیثیت و مشروعیت خود را از دست داده است و چنانچه ارتباط میان وجدان جمعی و نظام تقسیم کار قطع گردد به فروپاشی هنجارهای رسمی و عدم اعتبار آنها منجر شده و بی‌هنجاری در جامعه حکمفرما خواهد شد. در چنین شرایطی افراد دچار سردرگمی شده جامعه در ورطه بی‌نظمی و اغتشاش می‌غلتند.

۳- آسیب سرنوشت‌گرایانه

که ناشی از شدت قوانین هنجاری است زیرا هنجارها آن چنان فرد را احاطه کرده که احساس می‌کند هیچ راهی برای رهایی از سلطه آن وجود ندارد در این حالت که در مقابل بی‌سامانی قرار دارد وجدان جمعی و نظام هنجاری قوی است و فرد نیز در این نظام دارای روابطی پایدار است اما از یک جهت سیستم حاکم را نامطلوب تشخیص می‌دهد و از جهتی دیگر امیدی برای تغییر و تحول آن ندارد لذا به طرف آسیب کشیده می‌شود.

۴- آسیب دیگرخواهانه

که ناشی از وجود رابطه بسیار قوی میان فرد و جمع است در این نوع، هنجارهای جامعه هنوز دارای مشروعیت است ولی خطری جامعه را تهدید می‌کند و برای رفع این خطر ایثار و پایبندی لازم می‌شود در این زمان فرد برای حفظ سیستم «خود را به کشتن» می‌دهد و به این ترتیب از ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی مورد قبول دفاع می‌نماید اما چون این عمل فرد را از دایره تقسیم کار جدا می‌کند می‌تواند آسیب محسوب شود و به علت اینکه در ساخت اجتماعی پیش‌بینی نشده موجب «بی‌ساختی» متفاوتی خواهد شد.

دورکیم در بحث از بزهکاری و انحراف برخلاف بیشتر جرم‌شناسان که جرم را یک پدیده آسیب‌شناختی تلقی می‌کند و به دنبال علت‌های روان‌شناختی آن در ذهن بزهکار هستند، رخداد جرم را پدیده‌ای بهنجار می‌داند و برای پیامدهای آن کارکرد مثبت اجتماعی نیز قایل است، جرم برای آن بهنجار است که هیچ جامعه‌ای نیست که بتواند سازگاری با دستورهای اجتماعی را بر همه اعضایش تحمیل کند و اگر هم بتواند چنان سرکوبگر می‌شود که برای همکاری اجتماعی افرادش هیچ‌گونه آزادی عملی باقی نمی‌گذارد. برای

آنکه جامعه انعطاف‌پذیر بماند و درهایش به سوی دگرگونی و تطبیق‌های تازه باز شود، انحراف از هنجارهای جامعه ضرورت دارد. هر جا که جرم وجود داشته باشد احساسات جمعی به آن اندازه انعطاف‌پذیری دارند که صورت تازه‌ای به خود گیرند و جرم که گاه به تعیین صورتی که این احساسات در آینده به خود خواهند گرفت کمک می‌کند، یک جرم اگر بارها در جامعه رخ دهد نشان‌دهنده صورت اخلاقی آینده است و از پیش تعیین می‌کند که اخلاق در آینده چه صورتی به خود خواهد گرفت.

نظریه تفسیر موقعیتی (انتخاب عقلانی)

نظریه انتخاب عقلانی معتقد است که افراد تنها به سوی فعالیت‌های آسیبی رانده نمی‌شوند بلکه فعالانه دست زدن به این اعمال را انتخاب می‌کنند، آنها صرفاً فکر می‌کنند که این کار ارزش خطر کردن را دارد، افرادی که ذهنیت بزهکارانه دارند کسانی هستند که با آگاهی از خطر گرفتار شدن، تصور می‌کنند که از موقعیت‌هایی که قانون را نقض می‌کنند می‌توانند مزایایی کسب کنند. تحقیقات نشان داده‌اند که بسیاری از اعمال انحرافی مخصوصاً در زمینه انواع کوچکتر، همه، تصمیماتی موقعیتی هستند فرصتی خود را نشان می‌دهد و خوبتر از آن می‌نماید که بتوان از آن گذشت.

همه می‌پذیرند که عنصر زمینه‌ای نیرومند در وقوع فعالیت‌های انحرافی وجود دارد این که شخص به کاری انحرافی بپردازد یا به عنوان یک بزهکار یا مجرم در نظر گرفته شود اساساً متأثر از یادگیری اجتماعی در موقعیت‌های اجتماعی است که افراد خود را در آن‌ها می‌یابند.

به نظر می‌رسد اکثر نظریه‌های انحرافی تاکنون به درک رفتار انحرافی به عنوان عمل تعهدی و حساب شده پرداخته‌اند هر یک از نظریه‌ها به انحراف به عنوان «واکنش» نگریستند تا «کنش» به عنوان نتیجه تأثیرات خارجی و نه رفتاری که افراد فعالانه بدان می‌پردازند اما نظریه تفسیر موقعیتی معتقد است افراد با درگیر شدن در موقعیت‌های مختلف دست به تفسیر زده و سپس بر اساس تفسیر دست به کنش می‌زنند.

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۰۱

بنابراین در تبیین آسیب مورد نظر این مجموعه از سه تیپ تئوری آسیب‌شناسی دورکیمی:

۱- بی‌سامانی ۲- سرنوشت‌گرایانه ۳- خودگرایانه

با تلفیقی از تئوری انتخاب عقلانی بهره گرفته شده که هر کدام می‌توانند از طریق فرآیندهایی که در جامعه، خانواده و مسایل خود فرد، ایجاد و تشدید می‌شوند موجبات گریز و آسیب را فراهم نمایند.

پرسش‌های تحقیق (فرضیات)

با توجه به مطالعات و مصاحبه‌های به عمل آمده از متخصصین و افراد درگیر در این آسیب و آزمون پرسش‌های مقدماتی (در بین پنجاه نفر از دختران نوجوانان دستگیر شده) که شامل متغیرهای دخیل در موقعیت‌ها و هر موقعیت در شاخص‌های چندگانه در نظر گرفته شده بود فرضیات نهایی زیر استخراج و به نظر سنجی گذاشته شد:

تفسیر فرد از موقعیت خویش می‌تواند در گرایش وی به فرار از منزل مؤثر باشد:

۱- موقعیت فردی - عاطفی

الف) خودباوری (نگرش نسبت به خود)

ب) نگرش نسبت به اطرافیان

۲- موقعیت خانوادگی - اقتصادی

الف) سازگاری والدین با یکدیگر

ب) تأمین نیازهای اقتصادی

ج) تأمین نیازهای عاطفی

د) رفتار مناسب والدین با فرزندان

ه) ضعف خطاپوشی خانواده در مورد فرزندان دختر

۳- موقعیت فرهنگی - اجتماعی

الف) ناکافی بودن مراکز تفریحی - ورزشی و فرهنگی برای دختران در سطح جامعه

۱۰۲ ❖ زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک

ب) ضعف زمینه‌های مشارکتی در موقعیت‌های اجتماعی برای نوجوانان دختر

ج) تضاد ارزشی در جامعه و مدرسه و خانواده

د) نیاز به کنش متقابل با جنس مخالف

روش تحقیق

این پژوهش از طریق روش پیمایشی به انجام رسید، ابزار جمع‌آوری اطلاعات بهره‌گیری از پرسشنامه نسبتاً بسته با نحوه اجرای مستقیم متمرکز با مقیاس درجه‌بندی لیکرت بود ضمناً از فنون تکمیلی همچون مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و استخراج مقالات و تحقیقات صورت گرفته در حوزه بررسی‌های آسیبی و همچنین مصاحبه با مسؤولین ارگان‌های انتظامی و مشاورین آسیبی و بهره‌گیری از برنامه‌های رسانه‌های جمعی و فیلم‌های مستند در این خصوص به روشنگری‌هایی دست یافت.

تجزیه و تحلیل داده‌های این بررسی در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت برنامه EXCEL صورت گرفته است. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، میانگین و انحراف معیار به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و در سطح استنباطی از آزمون T با گروه مستقل و آزمون X^2 دو متغیره فریدمن و آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون توکی بهره گرفته است.

قلمرو موضوعی تحت پوشش این بررسی عبارت است از زندگی و روابط خانوادگی، کنش‌های متقابل اجتماعی، کاربرد رسانه‌های جمعی، نحوه ارتباط با گروه دوستان و انجمن‌ها و نهادها، گذران اوقات فراغت، رضایت فردی و اجتماعی، پیشداوری‌ها، رفتارهای مذهبی و سیاسی و نگرش نوجوان در زمینه مشارکت‌های اجتماعی...

این بررسی با طرح توصیفی - مقطعی صورت گرفته و با این که هدف اصلی آن توصیف شرایط فکری و زمینه‌یابی گرایشات آسیب‌زا در نوجوانان دختر و طراحی یک تصویر کلی از این مسأله است در رابطه با چند متغیر، سواد، بعد خانواده، تحصیلات و شغل والدین تجزیه و تحلیل آماری مبتنی بر فرض ارتباط این متغیر با کلیه متغیرهای وابسته به عمل آورده است.

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۰۳

هدف این بررسی که اطلاعات آن از زمستان ۸۰ - ۷۹ در محدوده مکانی شهرستان اراک در ناحیه یک آموزش و پرورش (حوزه نظریابی تحقیق) و قرارگاه‌های نیروی انتظامی شهرستان تهران، اصفهان و اراک (در حوزه زمینه‌یابی) جمع‌آوری شد شناخت گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و انگیزه‌های نوجوانان درخصوص علل بروز آسیب‌های اجتماعی در سطح شهرستان است.

این مطالعه در حیطه نظریابی در سطح ناحیه یک آموزش و پرورش و در ده مدرسه (در مقاطع راهنمایی و دبیرستان) انجام شده است واحدهای نمونه‌گیری، مدارس معمولی واقع در این ناحیه بوده است. واحد مورد مراجعه برای کسب اطلاعات، افراد ۱۸ - ۱۱ سال از هر مدرسه بوده است که در حوزه آماری ۳۰ نفره (در هر کلاس) و بر طبق جدول انتخاب شده‌اند. چند مرحله مشخص نمونه‌گیری این بررسی عبارت است از انتخاب ناحیه، انتخاب مدرسه در نقاط مختلف شهر بر اساس مختصات جغرافیایی شهرستان، انتخاب کلاس در مقاطع مختلف پایه‌ای، انتخاب دانش‌آموز از هر کلاس، بر اساس محاسبه تعداد نمونه در این بررسی جمعاً ۳۰۰ (۲۹۹) نفر مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه‌گیری به روش مطبق (چند مرحله‌ای) صورت گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات در حوزه زمینه‌یابی از طریق مصاحبه مستقیم و مشاهده حالات عاطفی افراد درگیر در مسأله (در دایره مفاسد و نیروی انتظامی) و در حوزه نظریابی با استفاده پرسشنامه صورت گرفته است. پس از آزمون نهایی پرسشنامه تعداد (۷۱) سؤال در پرسشنامه منظور شد که (۱۱) سؤال نیمه‌بسته آن مربوط به مشخصات فردی و (۵۹) سؤال بسته آن مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و مستقل و وابسته و (۲) سؤال باز در همین حیطه بوده است.

مشخصات جامعه آماری

۱ - تعداد نوجوانان دختر در گروه سنی (۱۱-۱۴) سال ۱۲۷ نفر و (۱۵-۱۸) سال ۱۷۲ نفر می‌باشد.

۲ - پس ۴۲/۵٪ افراد نمونه آماری در مقطع راهنمایی و ۵/۵۷٪ در مقطع متوسطه

۱۰۴ ❖ زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک

مشغول به تحصیل هستند.

۳ - ۸۳/۳٪ افراد نمونه آماری متولد شهر اراک و ۷/۴٪ متولد شهرهای اطراف و ۸/۴٪ متولد استان‌های دیگرند.

۴ - پدر ۹۲٪ از نوجوانان جامعه آماری در حال حاضر در قید حیات هستند، ۳/۷٪ فوت کرده، ۳٪ ازدواج مجدد و ۲٪ طلاق داده و ۳٪ از پدران نمونه آماری خانواده را ترک کرده‌اند. ۵ - مادر ۹۵/۷٪ از نوجوانان جامعه آماری در قید حیات هستند، ۷٪ فوت کرده، ۳٪ ازدواج مجدد، ۱/۳٪ مطلقه می‌باشند.

۶ - از نظر تحصیلات پدر، دختران نوجوان نمونه آماری ۴/۷٪ دارای پدری بی‌سواد، ۵۲/۵٪ زیر دیپلم، ۲۵/۱٪ دیپلم، ۶/۴٪ فوق دیپلم، ۶٪ لیسانس، ۰/۷٪ فوق لیسانس و بالاتر و ۱/۲٪ حوزوی بودند.

۷ - از نظر تحصیلات مادر ۵۷/۵٪ پاسخگویان مادرانی در سطح تحصیلی زیر دیپلم دارند و ۲۲/۷٪ در سطح دیپلم هستند.

۸ - ۳۷/۵٪ از پدر پاسخگویان دارای شغل دولتی هستند. ۲۰/۱٪ کاسب، ۱۹/۴٪ کارگر، ۱۶/۷٪ شغل آزاد دارند.

۹ - ۸۴/۶٪ از مادر پاسخگویان خانه‌دار می‌باشد و ۸/۷٪ کارمند دولتی هستند.

۱۰ - تعداد فرزندان در خانواده ۳۲/۸٪ یک فرزند می‌باشد و ۲۴/۱٪ دو فرزند، ۱۶/۱٪ سه فرزند را تشکیل می‌دهند.

۱۱ - ۹۲/۲٪ از پاسخگویان با والدین خود زندگی می‌کنند.

- نتایج سؤالات مربوط به شاخص خودباوری و نگرش نسبت به خود

۱۲ - ۷۰/۱۶٪ از پاسخگویان امید دارند که آینده موفق‌تری خواهند داشت.

۱۳ - ۶۳/۲٪ خود را از نظر استعدادها و آرزوها می‌شناسند.

۱۴ - ۳۰/۷٪ احساس اضافی و سربار بودن در خانواده دارند.

۱۵ - ۴۹/۸٪ از دختر به دنیا آمدن خود رضایت دارند.

۱۶ - ۶۳/۳٪ معتقدند که به رفتارهای خوب و بد خود آگاهی دارند.

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۰۵

۱۷ - ۷۲/۶٪ اظهار داشته‌اند که اگر انسان خودش خوب باشد جامعه نمی‌تواند در او تأثیر بدی بگذارد.

نگرش نسبت به اطرافیان

۱۸ - ۶۳/۹٪ از پاسخگویان از ارتباط خود با والدین احساس رضایت دارند.

۱۹ - تنها ۳۶/۱٪ از آنها در اتخاذ تصمیمات مهم به دیدگاه‌ها و نظرات دوستان و همسالان اهمیت می‌دهند.

سازگاری والدین و فرزندان با یکدیگر

۲۰ - ۸۲/۶٪ از دختران نوجوان نمونه آماری اظهار داشته‌اند: زمانی که در کنار والدین هستند احساس آرامش دارند.

۲۱ - ۵۴/۸٪ اظهار داشته‌اند که مجبورند به دستورات والدین عمل کنند.

۲۲ - ۱۶/۴٪ معتقدند والدین بین آنها و فرزندان دیگر تبعیض قایل هستند.

۲۳ - ۷۴/۹٪ عقیده دارند که مادرشان در ایجاد نشاط و خوشحالی در خانه تلاش می‌کند.

۲۴ - ۶۹/۲٪ در انتخاب همسر آینده خود، خود را آزاد می‌دانند.

۲۵ - تنها ۷/۶٪ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که تحت آزار جسمی از طرف والدین قرار داشته‌اند.

۲۶ - ۱۵/۴٪ از پاسخگویان تحت آزار روحی از طرف والدین قرار داشته‌اند.

۲۷ - ۶۳/۶٪ از نوجوانان پاسخگو معتقد بودند که والدین آنها را درک می‌کنند.

۲۸ - ۷۱/۶٪ از نوجوانان دختر پاسخ سوالات مذهبی خود را در خانواده گرفته‌اند.

تأمین کارکردها و نیازهای اقتصادی نوجوان در خانواده

۲۹ - ۸۶/۶٪ از نوجوان اظهار داشته‌اند که خانواده به تغذیه آنان اهمیت می‌دهد.

۳۰ - ۵۸٪ پاسخ داده‌اند که خانواده به پوشاک فرزندان اهمیت می‌دهد.

۳۱ - پاسخگوییانی که خانواده به تفریح و سرگرمی شان اهمیت می‌دهد ۶۱/۲٪ را شامل

می‌شوند.

۱۰۶ ❖ زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک

تأمین نیازهای عاطفی فرزندان در خانواده

۳۲ - ۲۸/۱٪ از نوجوانان اظهار داشته‌اند که دوست دارند جدا و مستقل از خانواده زندگی کنند.

۳۳ - ۷۸/۶٪ پاسخ داده‌اند که در تصمیم‌گیری‌های مهم به نظرات والدین اهمیت می‌دهند.

۳۴ - ۳۴/۳٪ از پاسخگویان در محیط خانه و با والدین خود در ارتباط با موضوعات مختلف صحبت و همدلی دارند.

۳۵ - ۱۲/۴٪ اظهار داشته‌اند که والدینشان با هم اختلاف نظر دارند.

۳۶ - ۷۵/۶٪ معتقدند که والدینشان با هم سازگاری دارند.

۳۷ - میزان سازگار نوجوانان دختر با پدر در جامعه آماری تحقیق ۷۱/۶٪ و با مادر ۷۳/۲٪ برآورد شده است.

۳۸ - ۶۴/۲٪ از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که پدرشان در برخورد با مسایل مختلف آرامش دارند.

۳۹ - میزان علاقه پاسخگویان به پدر خود ۹۰/۶٪ جامعه نمونه را تشکیل می‌دهد و ۹۳/۳٪ به مادر خود علاقه دارند.

رفتار مناسب والدین با فرزندان

۴۰ - ۷۶/۳٪ از نوجوانان جامعه نمونه از نحوه ارتباط خود با والدین رضایت دارند.

۴۱ - تنها ۱۷/۷٪ اظهار داشته‌اند که با توجه به شرایط موجودشان زندگی مستقل از والدین موجب تحقق آرزوهایشان خواهد بود.

خطاپوشی خانواده

۴۲ - ۵۵/۶٪ از پاسخگویان معتقدند که خطاهایشان از نظر خانواده قابل جبران است.

۴۳ - ۶۸/۲٪ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که والدینشان در مقابل اشتباه فرزندان تحمل نشان می‌دهند.

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۰۷

ضعف مراکز تفریحی - ورزشی و فرهنگی برای دختران در سطح شهر

۴۴ - ۵۳/۶٪ از پاسخگویان معتقدند که برنامه‌های مدرسه برای اوقات فراغت آن‌ها

مفید نبوده است.

۴۵ - ۵۹/۵٪ معتقدند که ضعف زمینه‌های ورزشی برای دختران در شهر اراک مشهود

است.

۴۶ - ۴۷/۲٪ پاسخ داده‌اند که برنامه‌های کانون‌های فرهنگی برایشان مفید نبوده است.

تضاد ارزشی در مدرسه

۴۷ - ۵۴/۵٪ از نوجوانان از ارتباط معلمین به خود رضایت ندارند.

۴۸ - ۴۹/۱٪ معتقدند که مطالب درسی با سؤالات و نیازهای نوجوانان هماهنگ نیست.

۴۹ - ۴۴/۴٪ معتقدند که مدرسه توانسته به سؤالات مذهبی نوجوانان پاسخ دهد.

۵۰ - ۶۲/۵٪ اظهار داشته‌اند که در طول تحصیل نتوانسته‌اند به معلمان خود اعتماد کرده

مشکلات خود را با آن‌ها در میان بگذارند.

ضعف زمینه‌های مشارکتی برای نوجوانان دختر

۵۱ - ۵۳/۱٪ پاسخ داده‌اند که اعتمادی به برنامه‌های توسعه دولت ندارند.

۵۲ - ۵۲/۶٪ معتقدند که از آزادی بیان و عقیده در جامعه برخوردار نیستند.

۵۳ - ۶۱/۹٪ اظهار داشته‌اند که مسئولین نتوانسته‌اند به سؤالات سیاسی نوجوانان

پاسخ دهند.

نیاز به ارتباط با جنس مخالف

۵۴ - تنها ۲۱/۱٪ از نوجوانان اظهار داشته‌اند که در ارتباط با جنس مخالف محدودیت

دارند.

۵۵ - ۲۶/۷٪ معتقدند که ارتباط با جنس مخالف می‌تواند نیازهای عاطفی یک دختر را

برآورده کند.

سؤالات زمینه‌ای

۵۶ - ۴۴/۱٪ معتقدند که از تنها بودن لذت می‌برند.

۱۰۸ ❖ زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک

۵۷- ۶۰/۹٪ پاسخ داده‌اند که نیاز به آموزش در زمینه بلوغ دارند.

۵۸- ۴۹/۲٪ از نوجوانان دختر معتقدند بیشتر افرادی که می‌شناسند از نظر اخلاقی افراد سالمی هستند.

۵۹- ۳۳/۴٪ معتقدند که الگوهای رفتاری زنان در فیلم‌ها در آنها تأثیرگذار است.

۶۰- تنها ۹/۴٪ از نوجوانان مورد تحقیق، اعلام کرده‌اند که احتمال می‌دهند فشارها و مشکلات موجود روزی باعث فرار آنها از منزل خواهد شد.

۶۱- ۳۵/۲٪ معتقدند که روزی فقر در جامعه از بین خواهد رفت.

۶۲- ۸۶/۹٪ معتقدند که بیکاری به عنوان مشکل اقتصادی جامعه، موجب نگرانی آنهاست.

۶۳- ۵۴/۵٪ اظهار داشته‌اند که به حقوق قانونی خود آگاهی ندارند.

۶۴- ۵۲/۸٪ از پاسخگویان معتقدند که نیازمند اطلاعات ماهواره‌ای هستند.

۶۵- تنها ۲۷/۷٪ از نوجوانان اظهار داشته‌اند که امکان استفاده از اینترنت را دارند.

۶۶- ۷۸/۶٪ معتقدند که یک زن بایستی از استقلال مالی در جامعه برخوردار باشد.

۶۷- ۱۹/۶۹٪ از نوجوانان اظهار داشته‌اند که بی‌توجهی به نیازهای عاطفی (کمبود

محبت و مقایسه نوجوان با دیگران) می‌تواند زمینه مناسبی برای آسیب‌پذیری نوجوان باشد. ۹/۶۸٪ تهمت، سرزنش و تحقیر فرزندان را عامل آسیب‌زا دانسته‌اند ۶/۸۴٪ اختلافات مداوم والدین، ۶/۳۴٪ سخت‌گیری و تعصب نسبت به فرزندان دختر را عوامل زمینه‌ساز آسیب تلقی می‌کنند.

۶۸- ۴۷/۸۹٪ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که اولین فردی که در مواقع مواجهه با

مشکل به او پناه می‌برند پدر و مادرشان و خواهر و برادرشان می‌باشد. ۱۵/۹۸٪ در برخورد با مشکلات دعا کردن و رفتن به مکان‌های مذهبی را در اولویت قرار داده‌اند.

نتیجه‌گیری کلی از بررسی

مطالعه ما نشان می‌دهد که در نگرش‌های نوجوانان دختر بر خلاف تصورات رایج ارتباط با جنس مخالف نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای عاطفی نوجوان باشد این مسأله تنها در بین نوجوانانی دیده شد که از نظر بنیان خانوادگی ناسازگاری داشتند و نیازمند تأمین عاطفی در خارج از محیط خانه بودند.

موقعیت خانوادگی سالم و منظم تأثیر زیادی در نگرش‌ها و رفتارها دارد. افرادی که در کانون خانواده از نظر نیازهای اقتصادی و عاطفی و ارتباطات بین خانوادگی ارضا می‌شدند در شرایط بهتری قرار داشتند؛ به طور کلی شرایط غیرمتعارف و انسجام نیافته خانوادگی می‌تواند زمینه‌ای مساعد برای بروز مسایل اجتماعی فراهم سازد.

به نظر می‌رسد نوجوانان جامعه ما در مسیر حرکت به طرف ارزش‌های جدید هستند چرا که زمینه گرایش به این ارزش‌ها در نیمرخ اطلاعات فرهنگی و تفریحی آنها دیده می‌شود. احساس نایمنی و بازداری از عدم استفاده از اطلاعات جدید و امکانات موجود می‌تواند نوجوانان را در معرض حرکت‌های اجتماعی دشوار و ناسالم قرار دهد. نوجوانان و جوانان ما در مقابل این تغییر ارزش‌ها قرار دارند، پاره‌ای از این ارزش‌ها متعالی بوده و در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند مثل: مشارکت‌خواهی در امور اجتماعی - فرهنگی - سیاسی، نیاز به ارتباط با مسئولین در نهاد آموزش و پرورش و سایر نهادها، ارتباط‌طلبی مطلوب با اعضای خانواده و احساس تضاد ارزشی بین خانه و مدرسه و جامعه... جا دارد که در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به این موارد توجه شود.

تحصیلات والدین و شغل از عوامل تعیین‌کننده در نگرش‌ها و رفتارها و ارزش‌ها بود که زمانی دستخوش تغییر متعالی می‌شد که افزایش سطح آنها را شاهد بودیم مثلاً سازگاری بین والدین با هم و با فرزندان در همبستگی مثبتی با شاخص سطح تحصیلات و به تبع آن با شغل والدین قرار داشتند و زمانی که سازگاری در محیط خانواده بالا بود میزان زمینه‌ای آسیب‌زا را در سطح پایین می‌دیدیم یعنی زمانی که نوجوان در حریم خانواده از نظر عاطفی و اقتصادی تأمین می‌شد نیاز به ارتباط و ارضای عاطفی در بیرون از خانه و با جنس مخالف

۱۱۰ ❖ زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک

نمی‌دید. همچنین همراه با بالا رفتن سطح تحصیلات والدین خطاپوشی و منفی‌نگری هم پایین می‌آمد در نتیجه نوجوان با احساس مسؤولیت و تعهد بیشتر نسبت به اعمال خود کنش نشان می‌داد.

هرچه محیط خانواده مأمّن و پناهگاهی برای نوجوان باشد میزان خودباوری و نگرش نسبت به خود و توانایی‌های خود نیز بالا می‌رود. همراه با افزایش خودباوری نگرش نوجوان نسبت به ارزش‌ها و هنجارها و امکانات اجتماعی نیز دچار تحول می‌شود. در این تحقیق دیده شد که نوجوانانی که احاطه کافی به نیازها و استعدادهاى خود دارند امکانات و زمینه‌های موجود در جامعه را برای رشد و اعتلای فرهنگی، علمی، سیاسی و... خود پایین ارزیابی می‌کنند و خواهان رشد این زمینه‌ها در جامعه هستند.

گرایش نوجوان و در کل گرایش حیات به سوی رشد و بروز جهات ممیزه فردی است ولی غایت قدرت در کاهش اختلافات میان افراد برای امکان‌پذیر ساختن زندگی جمعی است تا وقتی که قدرتی چه بیرونی و زاییده مراجع اجتماعی و سیاسی و مذهبی و اقتصادی و چه درونی و به صورت احکام وجدان و وظیفه و آرمان بتواند بدون انکار اختلافات میان افراد و جلوگیری از بسط آزاد حیات به برقراری نظم کامیاب شود معقول و منطبق با غایات فردی اعضای اجتماع است ولی به مجرد انحراف از این طریق مضر به حال فرد و مخل آزادی فردی لازم برای پرورش کامل او می‌گردد. بدیهی است که وجدان و وظیفه‌شناسی بزرگترین ضامن آرامش و نیک‌بختی فردی و اجتماعی است به شرط آنکه با اصل شکفتن استعدادهای نهفته شخص و احترام به تمامیت نفس آدمی در تناقض نبوده و احکام آن موجب تضعیف و سرکوبی بخشی از شخصیت به وسیله بخش دیگر نگردد.

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۱۱

توزیع نمونه آماری سؤال باز (۷۰)

ردیف	علل فرار از نظر پاسخگویان	فراوانی	درصد
۱	بی‌توجهی به نیازهای عاطفی (کمبود محبت و ...)	۱۱۸	۱۹/۶۹
۲	عدم تأمین نیازهای مادی در خانواده (فقر)	۳۱	۵/۱۷
۳	بی‌اعتمادی پدر و مادر به فرزندان (شکاکیت، بدبینی و ...)	۲۸	۴/۶۷
۴	اعتیاد و انحراف والدین	۱۶	۲/۶۷
۵	تهدمت، سرزنش، تحقیر و ناسزاگویی مداوم فرزندان از طرف والدین	۵۸	۹/۶۸
۶	ارتباط با جنس مخالف	۲۶	۴/۳۴
۷	بدرفتاری و درک‌نشدن فرزندان از طرف والدین	۵۸	۹/۶۸
۸	آزار جسمی (کتک، ضرب و شتم، سیلی و ...)	۳۱	۵/۱۷
۹	تبعیض بین فرزندان	۲۵	۴/۱۷
۱۰	گسستگی خانواده (فوت، طلاق یا زندگی با یکی از والدین)	۲۰	۳/۳۳
۱۱	اختلافات و جر و بحث مداوم والدین با هم و فرزندان	۴۱	۶/۸۴
۱۲	سخت‌گیری و تعصب والدین نسبت به فرزندان دختر (آزادی و حق انتخاب در لباس، همسر و ...)	۲۸	۴/۳۴
۱۳	دوستان ناباب	۱۸	۳/۰۰
۱۴	احساس اضافی بودن و سرباری و احساس ناامیدی و تنهایی	۱۶	۲/۶۷
۱۵	آزادی بیش از حد فرزندان	۶	۱/۰۰
۱۶	ازدواج‌های اجباری	۵	۰/۸۳
۱۷	برنامه‌های مبتذل	۲	۰/۳۳
۱۸	کمبود امکانات رفاهی	۱	۰/۰۶
۱۹	عدم توجه به نصایح والدین و ناآگاهی	۱۱	۱/۸۳
۲۰	ضعف اراده و ایمان	۳	۰/۵۰
۲۱	عدم ایجاد زمینه برای مشارکت دختران در تصمیمات خانواده	۱۰	۱/۶۶
۲۲	به رخ کشیدن دیگران	۹	۱/۵۰
۲۳	تهدید کردن والدین	۵	۰/۸۳
۲۴	مقایسه کردن با دیگران	۱۳	۲/۱۷
۲۵	عدم آرامش و احساس امنیت در خانواده	۷	۱/۱۶
۲۶	ناراحتی‌های روحی فرد	۳	۰/۵۰

جدول (۴-۱۰۵) ضریب همبستگی ماتریس بین ۱۱ شاخص

شاخص‌ها		خودباوری ۱	نگرش ۲	سازگاری ۳	کارکرد اقتصادی ۴	کارکرد عاطفی ۵	رفتار مناسب ۶	خطا پوشی ۷	ضعف مراکز ۸	تضاد ارزشی ۹	نحوه مشارکت ۱۰	ارتباط یا حسن مخالف ۱۱
۱- خودباوری	r	۱/۰۰۰	۰/۲۹	۰/۲۸۹ ۰۰	۰/۱۹۸ ۰۰	۰/۲۹۵ ۰۰	۰/۲۲۲ ۰۰	۰/۱۴۴ ۰	۰/۲۸۲ ۰۰	۰/۲۸۷ ۰۰	۰/۴۱ ۰۰	۰/۱۲۷ ۰
	p	.	۰/۵۰۶	.	۰/۰۰۱	.	.	۰/۰۱۳	.	.	.	۰/۰۲۸
۲- نگرش نسبت به اطرافیان	r	۰/۰۲۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۰۳۰	۰/۰۱۲	۰/۱۰۲	۰/۰۶۹	۰/۰۳۹	۰/۰۲۲	۰/۱۱۱ ۰
	p	۰/۵۰۶	.	۰/۹۴۴	۰/۸۵۳	۰/۶۱۰	۰/۸۴۱	۰/۰۷۹	۰/۲۲۳	۰/۲۹۹	۰/۴۵۷	۰/۰۵۶
۳- سازگاری	r	۰/۲۸۹ ۰۰	۰/۰۰۴	۱/۰۰۰	۰/۴۲۲ ۰۰	۰/۲۹۶ ۰۰	۰/۳۶۱ ۰۰	۰/۲۷۱ ۰۰	۰/۳۳۵ ۰۰	۰/۲۹۰ ۰۰	۰/۲۴۶ ۰۰	۰/۳۱۱ ۰۰
	p	.	۰/۹۴۴
۴- کارکردهای اقتصادی	r	۰/۱۹۸ ۰۰	۰/۰۱۱	۰/۴۲۲ ۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۸۶ ۰۰	۰/۱۷۲ ۰۰	۰/۳۵۸ ۰۰	۰/۲۵۲ ۰۰	۰/۱۱۸ ۰	۰/۲۰۹ ۰۰	۰/۱۷۹ ۰۰
	p	۰/۰۰۱	۰/۸۵۳	.	.	.	۰/۰۰۳	.	.	۰/۰۲۱	.	۰/۰۰۲
۵- کارکردهای عاطفی	r	۰/۲۹۵ ۰۰	۰/۰۳۰	۰/۳۹۶ ۰۰	۰/۲۸۶ ۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۶۷ ۰۰	۰/۱۷۰ ۰۰	۰/۳۳۲ ۰۰	۰/۲۲۵ ۰۰	۰/۲۲۹ ۰۰	۰/۱۲۰ ۰
	p	.	۰/۶۱۰	.	.	.	۰/۰۰۳	۰/۰۳۸
۶- رفتار مناسب	r	۰/۲۲۲ ۰۰	۰/۰۱۲	۰/۳۶۱ ۰۰	۰/۱۷۲ ۰۰	۰/۲۶۷ ۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۶۶ ۰	۰/۱۶۵ ۰۰	۰/۱۲۶ ۰	۰/۱۴۷ ۰	۰/۱۲۳ ۰
	p	.	۰/۸۴۱	.	۰/۰۰۳	.	.	۰/۲۵۳	۰/۰۰۴	۰/۰۳۰	۰/۰۱۱	۰/۰۲۲
۷- ضعف خطا پوشی	r	۰/۱۴۴ ۰	۰/۱۰۲	۰/۳۷۱ ۰۰	۰/۳۵۸ ۰۰	۰/۰۷۰ ۰۰	۰/۰۶۶ ۰	۱/۰۰۰	۰/۱۶۹ ۰۰	۰/۰۲۲ ۰	۰/۱۸۵ ۰۰	۰/۰۹۲ ۰
	p	۰/۰۱۳	۰/۰۷۹	.	.	۰/۰۰۳	۰/۲۵۳	.	۰/۰۰۳	۰/۷۰۸	۰/۰۰۱	۰/۱۱۲
۸- ضعف مراکز	r	۰/۲۸۲ ۰۰	۰/۰۶۹	۰/۳۳۵ ۰۰	۰/۲۴۵ ۰۰	۰/۳۲۲ ۰۰	۰/۱۶۵ ۰۰	۰/۱۶۹ ۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۹۶ ۰۰	۰/۲۴۳ ۰۰	۰/۱۸۰ ۰۰
	p	.	۰/۲۲۳	.	.	.	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	.	.	.	۰/۰۰۲
۹- تضاد ارزشی	r	۰/۲۸۷ ۰۰	۰/۰۳۹	۰/۲۹۰ ۰۰	۰/۱۱۸ ۰	۰/۲۳۵ ۰۰	۰/۱۲۶ ۰	۰/۰۲۲ ۰	۰/۳۹۶ ۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۸۰ ۰۰	۰/۲۲۶ ۰۰
	p	.	۰/۴۹۹	.	۰/۰۲۱	.	۰/۰۳۰	۰/۷۰۸
۱۰- نحوه مشارکت	r	۰/۳۱۱ ۰۰	۰/۰۲۲ ۰۰	۰/۲۴۶ ۰۰	۰/۲۰۹ ۰۰	۰/۳۲۹ ۰۰	۰/۱۲۷ ۰	۰/۱۸۵ ۰۰	۰/۲۴۳ ۰۰	۰/۲۸۰ ۰۰	۱/۰۰۰	۰/۱۶۰ ۰
	p	.	۰/۴۵۷	.	.	.	۰/۰۱۱	۰/۰۱	.	.	.	۰/۰۰۶
۱۱- ارتباط با جنبش مخالف	r	۰/۱۲۷ ۰	۰/۱۱۱ ۰	۰/۳۱۱ ۰۰	۰/۱۷۹ ۰۰	۰/۰۱۲ ۰	۰/۰۱۲۲ ۰	۰/۰۹۲ ۰	۰/۰۱۸۰ ۰	۰/۲۲۶ ۰۰	۰/۱۶۰ ۰۰	۱/۰۰۰
	p	۰/۰۲۸	۰/۰۵۶	.	۰/۰۰۲	۰/۰۳۸	۰/۰۲۲	۰/۰۲۲	۰/۰۰۲	.	۰/۰۰۶	.

بررسی جدول (۴-۱۰۵) ضریب همبستگی ماتریس بین ۱۱ شاخص فرضیات

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۱۳

این جدول شامل یازده شاخص به ترتیب: (خودباوری، نگرش نسبت به اطرافیان، میزان سازگاری والدین و فرزندان با یکدیگر، تأمین کارکردهای اقتصادی در خانواده از طرف والدین، تأمین کارکردهای عاطفی در خانواده از طرف والدین، وجود رفتارهای مناسب با دختران نوجوان در خانواده، ضعف خطاپوشی خانواده در مورد دختران، ناکافی بودن یا عدم استفاده بهینه از مراکز تفریحی و ورزشی، فرهنگی برای دختران در جامعه، وجود تضاد ارزشی در جامعه و مدرسه با خانواده، ضعف زمینه‌های مشارکتی در موقعیت‌های اجتماعی برای نوجوانان دختر و نیاز به ارتباط و کنش متقابل اجتماعی با جنس مخالف) می‌باشد که به صورت دو به دو با هم مقابله شده و نتایج به دست آمده به شکل توصیفی ارائه خواهد شد.

با توجه به ارقام به دست آمده از جدول ضریب همبستگی ماتریس چنین نتیجه می‌شود که بین شاخص خودباوری و نگرش به خود و میزان «سازگاری والدین با فرزندان» رابطه مستقیمی وجود دارد یعنی هرچه نگرش نوجوانان دختر نسبت به هویت و استعدادها و توانایی‌های خود بالا باشد نحوه ارتباط وی در خانواده و با والدین به نحو مطلوبی شکل خواهد گرفت.

بین شاخص «خودباوری» و «تأمین کارکردهای اقتصادی از طرف والدین در خانواده» همبستگی مثبت (رابطه مستقیمی) موجود است یعنی هرچه نوجوان از نظر نیازهای اقتصادی همچون تغذیه، پوشاک و تفریح و سرگرمی بیشتر تأمین شود حس خودباوری و نگرش مثبت‌تری نسبت به خود خواهد داشت و به عکس هر چه این میزان کاهش یابد شاخص خودباوری نیز پایین خواهد آمد.

همچنین بین خودباوری و شاخص‌های تأمین کارکرد عاطفی دختران نوجوان از طرف والدین، رفتار مناسب والدین با فرزندان، ناکافی بودن مراکز تفریحی، ورزشی، فرهنگی برای نوجوان در شهرستان اراک وجود تضادهای ارزشی بین خانه و مدرسه و جامعه و ضعف زمینه‌های مشارکتی نوجوانان دختر در موقعیت‌های مختلف اجتماعی رابطه و همبستگی مستقیمی وجود دارد (همبستگی معنی دار در سطح ۰/۱).

بین خودباوری و ضعف خطاپوشی از طرف والدین در مورد دختران نوجوان باز همبستگی مثبتی وجود دارد اما این همبستگی در سطح ۵٪ به چشم می‌رسد. در ارتباط با شاخص خودباوری و نیاز به جنس مخالف رابطه معکوس دیده می‌شود یعنی با بالا رفتن متغیر خودباوری احساس نیاز به ارتباط با جنس مخالف در بین دختران نوجوان کاهش می‌یابد و با پایین آمدن حس خودباوری در آنان متغیر ارتباط با جنس مخالف افزایش پیدا می‌کند.

بین میزان سازگاری والدین با فرزندان و متغیرهای خودباوری، تأمین کارکرد اقتصادی خانواده توسط والدین، تأمین کارکردهای عاطفی توسط والدین، رفتار مناسب والدین با فرزندان، ضعف خطاپوشی والدین در مورد فرزندان دختر، ضعف مراکز ورزشی، تفریحی، فرهنگی در سطح جامعه برای دختران نوجوان، وجود تضاد ارزشی بین خانه، مدرسه و جامعه، ضعف زمینه‌های مشارکتی برای نوجوانان دختر در موقعیت‌های مختلف اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد (همبستگی معنی‌دار در سطح ۱٪).

اما بین سازگاری والدین با فرزندان و متغیر نیاز به ارتباط با جنس مخالف برای دختران نوجوان رابطه معکوسی در سطح ۱٪ مشاهده می‌شود.

بین تأمین کارکردهای اقتصادی خانواده از طرف والدین و متغیرهای خودباوری نوجوانان، میزان سازگاری والدین و فرزندان با یکدیگر، تأمین کارکردهای عاطفی از طرف والدین وجود رفتارهای مناسب در خانواده، ضعف خطاپوشی والدین، ضعف مرکز تفریحی ورزشی و فرهنگی در سطح جامعه و ضعف زمینه‌های مشارکتی برای دختران نوجوان در جامعه رابطه مستقیمی وجود دارد. (همبستگی معنی‌دار در سطح ۱٪)

اما بین میزان تأمین کارکردهای اقتصادی خانواده از طرف والدین و میزان تضاد ارزشی موجود در جامعه و مدرسه رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنی‌دار ۵٪ به چشم می‌خورد. و بین تأمین کارکردهای اقتصادی در خانواده و میزان نیاز به ارتباط با جنس مخالف در بین دختران نوجوان همبستگی معکوس در سطح ۱٪ وجود دارد.

با توجه به ارقام موجود در جدول ماتریس بین میزان تأمین کارکردهای عاطفی از طرف

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۱۵

والدین در خانواده و شاخص‌های خودباوری، میزان سازگاری والدین و فرزندان با یکدیگر میزان تأمین کارکرد اقتصادی در خانواده رفتار مناسب والدین با دختران نوجوان ضعف خطاپوشی از طرف والدین ضعف مراکز تفریحی، ورزشی، و فرهنگی در سطح جامعه برای دختران تضاد ارزشی بین خانه و مدرسه و جامعه و ضعف زمینه‌های مشارکتی برای دختران در موقعیت‌های اجتماعی، رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنادار ۱٪ دیده می‌شود. اما بین شاخص «تأمین کارکرد عاطفی در خانواده» و نیاز به ارتباط با جنس مخالف «رابطه معکوسی» مشاهده می‌شود.

بین «رفتار مناسب والدین در خانواده» و شاخص‌های «خودباوری، سازگاری والدین با هم و با فرزندان، تأمین کارکرد اقتصادی و عاطفی در خانواده و ضعف مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی» ارتباط مستقیمی در سطح همبستگی معنی‌دار ۱٪ مشاهده می‌شود و بین «رفتار مناسب والدین» و «تضاد ارزشی بین خانه و مدرسه و جامعه» ارتباط مستقیم در سطح همبستگی معنادار ۵٪ وجود دارد. اما بین رفتار مناسب والدین و نیاز به ارتباط با جنس مخالف رابطه معکوسی دیده می‌شود.

بین «ضعف خطاپوشی در مورد دختران نوجوان از طرف والدین» و میزان «خودباوری و نگرش به خود» رابطه مستقیم و همبستگی معنی‌دار در سطح ۵٪ وجود دارد و بین ضعف خطاپوشی و سازگاری والدین با هم و با فرزندان و تأمین کارکرد اقتصادی و عاطفی و ضعف مراکز تفریحی و ورزشی - فرهنگی در سطح جامعه و ضعف زمینه‌های مشارکت اجتماعی برای دختران»، رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنی‌دار ۵٪ وجود دارد.

بین «ضعف مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی در سطح شهرستان اراک برای دختران نوجوان» و شاخص‌های «خودباوری، سازگاری والدین با هم و با فرزندان در خانواده، تأمین کارکردهای اقتصادی و عاطفی در خانواده و رفتار مناسب والدین با فرزندان، ضعف خطاپوشی، وجود تضاد ارزشی در خانه و مدرسه و جامعه و ضعف زمینه‌های مشارکتی در جامعه برای دختران نوجوان رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنادار ۱٪ نشان داده می‌شود. اما بین «وجود مراکز تفریحی و فرهنگی» و «نیاز به ارتباط با جنس مخالف در بین

دختران نوجوان» رابطه معکوسی برآورد می‌شود.

بین شاخص «تضاد ارزشی در خانه و مدرسه و اجتماع» و شاخص‌های «خودباوری، سازگاری والدین با هم، تأمین کارکردهای عاطفی در خانواده، ضعف مراکز تفریحی - فرهنگی در سطح جامعه و ضعف زمینه‌های مشارکتی نوجوانان دختر در جامعه» رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنی‌دار ۱٪ دیده می‌شود. بین همین شاخص «تضاد ارزشی و شاخص‌های تأمین کارکرد اقتصادی در خانواده و رفتار مناسب والدین با فرزندان» رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنی‌دار ۵٪ وجود دارد. اما بین تضاد ارزشی موجود و نیاز به ارتباط با جنس مخالف رابطه معکوس دیده می‌شود.

طبق ارقام موجود در جدول ماتریس بین شاخص «ضعف زمینه‌های مشارکتی در سطح جامعه برای دختران نوجوان» و متغیرهای «خودباوری، سازگاری والدین با هم، تأمین کارکردهای اقتصادی و عاطفی، ضعف خطاپوشی، ضعف مراکز تفریحی - فرهنگی، وجود تضاد ارزشی رابطه مستقیمی در سطح همبستگی معنی‌دار ۱٪ دیده می‌شود و بین ضعف زمینه‌های مشارکتی در جامعه» و «رفتار مناسب والدین» همبستگی معنی‌دار در سطح ۵٪ وجود دارد.

اما رابطه معکوسی بین متغیر «میزان نیاز به ارتباط با جنس مخالف» و متغیرهای خودباوری، نگرش نسبت به اطرافیان، سازگاری والدین با هم، تأمین کارکردهای عاطفی و اقتصادی در خانواده، رفتار مناسب والدین با فرزندان و تضاد ارزشی در خانه و مدرسه و جامعه و وجود زمینه‌های مشارکت نوجوان در جامعه» به چشم می‌خورد.

منابع و مأخذ

- ۱- آگ برن و نیم کف، ۱۳۴۴، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه آریانپور، تهران: فرانکلین.
- ۲- احمدی، احمد، ۱۳۷۵، روان‌شناسی نوجوان و جوان تهران: مشعل.
- ۳- آرون، ریمون، ۱۳۶۲، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

زمینه‌های فرار دختران از منزل و گرایش آنان به بزه در شهر اراک ❖ ۱۱۷

- ۴- پیناتل، ژان، ۱۳۴۵، جرم‌شناسی، ترجمه رضا علوی، تهران: امیرکبیر.
- ۵- پارسا، محمد، ۱۳۶۸، روان‌شناسی کودک و نوجوان، تهران، بعثت.
- ۶- تنهایی، حسین، ۱۳۷۴، درآمدی بر مکاتب و نظریات جامعه‌شناسی، گناباد: مدنیدیز.
- ۷- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۲، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه.
- ۸- سیگل، سیدنی، ۱۳۷۲، آمار غیر پارامتری برای علوم رفتاری، ترجمه یوسف کریمی، تهران: علامه.
- ۹- ضوابطی، مهدی، ۱۳۷۱، مشکل‌شناسی کودکی و نوجوانی، تهران: پازنگ.
- ۱۰- یونیسف، «پیمان‌نامه حقوق کودک»، صندوق سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۸۹.

